

باستان‌شناسی منطقه قره‌داغ؛ گزارش مقدماتی بررسی محوطه‌های دوران مفرغ و آهن

شهرستان ورزقان

حسین ناصری صومعه

دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

علیرضا هژبری نوبری^۱

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

ارکان کنیار

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه استانبول، استانبول، ترکیه.

علمی - پژوهشی

چکیده

فعالیت‌های باستان‌شناختی منطقه قره‌داغ (ارسباران) با هدف ترسیم چشم‌انداز بلندمدت علمی و درک جایگاه باستان‌شناسی منطقه، در جهت تبیین اوضاع سیاسی-اجتماعی و ارزیابی تحولات و جریانات فرهنگی و شناسایی مسیرهای ارتباطی شمال آذربایجان در دوره‌های مفرغ و آهن، با اتکا بر روش‌های میدانی انجام می‌گیرد. اولین فصل این پروژه در سال ۱۳۹۶ به شناسایی محوطه‌های مفرغ و آهن شهرستان ورزقان اختصاص یافت. منطقه مورد بررسی دارای وسعت تقریبی ۲۳۶۸ کیلومترمربع بوده و در منتهی‌الیه غربی منطقه قره‌داغ قرار دارد. با نظر به توپوگرافی منطقه، دره‌های میان‌کوهی غرب ورزقان دروازه ورود به قره‌داغ شمرده شده و به عبارتی گذرگاه طبیعی غرب به شرق محسوب می‌گردد که با توجه به مسیر حک کتیبه‌های اورارتویی، به نظر هجوم اورارتوها در قرن هشتم ق.م به منطقه نیز از این گذرگاه صورت گرفته است. لذا به‌روشنی آشکار است که منطقه از نظر پتانسیل‌های محیطی، جغرافیایی و امنیتی نیز قابل توجه و دارای اهمیت است. طی این بررسی ۱۴۳ محوطه از دوران مفرغ قدیم تا آهن III در منطقه شناسایی گردید که از اهداف مهم این بررسی می‌توان به ثبت تحولات در گذر از هر دوره به دوره دیگر در رابطه با نوسانات جمعیتی، الگوی مکان‌گزینی و استقرار، شیوه معیشت و روش تدفین اشاره کرد. طبق این شواهد، تعداد استقرارها در دوره مفرغ قدیم در منطقه بسیار محدود و ضعیف است. با فروپاشی جوامع نیمه کشاورز دوران مفرغ قدیم، زندگی عشایری به‌صورت محدود در دوره مفرغ میانی شکل می‌گیرد. در اواخر دوره مفرغ میانی، مجدداً با شکل‌گیری جوامع یکجانشین، شاهد افزایش جمعیت منطقه و به وجود آمدن پیچیدگی‌های اجتماعی طی دوره مفرغ جدید تا آهن II هستیم که در پی آن، یک نوع جامعه طبقاتی اولیه، تحت مدیریت حاکمان کوچک محلی شکل می‌گیرد. در نهایت طبق منابع مکتوب در منطقه، با هجوم قدرت‌های نظامی همسایه (اورارتوها) به منطقه، جوامع دوره آهن فروپاشیده و در ظاهر تعداد محوطه‌ها کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: قره‌داغ، ورزقان، بررسی باستان‌شناسی، عصر مفرغ، عصر آهن.

۱. مقدمه

عمده فعالیت‌های باستان‌شناسی آذربایجان در دوران پیش از انقلاب متمرکز در غرب حوضه دریاچه اورمیه بوده و پس از انقلاب نیز مناطق شرقی در اردبیل تا حدودی مورد توجه بوده است. مطالعات باستان‌شناختی در منطقه کوهستانی قره‌داغ علاوه بر شناسایی تحولات فرهنگی منطقه، به دلیل قرارگیری در منطقه حائل بین شرق و غرب آذربایجان و نیز شمال به جنوب قفقاز-ایران حائز اهمیت ویژه است. با این پیش‌فرض، جهت روشن شدن وضعیت سیاسی-اجتماعی و فرهنگی منطقه و استخراج پاسخ‌های مناسب برای نقاط مبهم در دوره مفرغ و آهن، در سال ۱۳۹۶ تلاش شد تا در منطقه کوهستانی قره‌داغ مطالعات میدانی صورت بگیرد. از اهداف کلی این پروژه می‌توان به مطالعه تحولات فرهنگی، شناسایی مسیرهای ارتباطی عصر مفرغ و آهن منطقه بر اساس مطالعات میدانی، مطالعه ساختار سیاسی-اجتماعی این جوامع از طریق مطالعه اشیا فرهنگی

و بقایای انسانی، شیوه تدفین، الگوهای استقرار، ارزیابی چشم‌انداز و منابع طبیعی به‌منظور آگاهی از شبکه‌های غذایی و نظام‌های اقتصادی، حفاظتی و مطالعه زیست‌بوم منطقه، تهیه نقشه پراکندگی محوطه‌ها و بررسی ارتباط آنها با عوارض طبیعی و زمین‌شناختی با نگاه باستان‌شناسی منظر اشاره کرد. درنهایت پروژه حاضر به ما این توانایی را می‌دهد که به مقایسه‌های فرامنطقه‌ای بپردازیم. پرواضح است که تمامی این اهداف در یک فصل مطالعات میدانی قابل تحقق نیست و نیاز به فصول مختلف بررسی‌های پیمایشی و کاوش‌های سامانمند دارد. لذا در قدم نخست، فصل اول این پروژه به شناسایی محوطه‌های غرب قره‌داغ در شهرستان ورزقان، به‌صورت بررسی‌های پیمایشی اختصاص یافت. طی این پروژه حدود ۱۴۳ محوطه از دوران مفرغ قدیم تا آهن III در منطقه شناسایی شد (هژبری نوبری ۱۳۹۶ الف). در این مقاله با تکیه بر بررسی صورت گرفته، به مطالعه ویژگی‌های فرهنگی، روند تغییرات جمعیتی و پراکندگی محوطه‌ها و انواع استقرار در دوران مفرغ و آهن در منطقه پرداخته می‌شود. داده‌های باستان‌شناختی و جغرافیایی به‌دست‌آمده از این بررسی، اطلاعات مهمی در رابطه با پیچیدگی‌های سیاسی-اجتماعی، روند تحولات منطقه و ارتباطات فرامنطقه‌ای به دست می‌دهد. این داده‌ها، ارتباط مناطق جنوبی و شمالی رود ارس را بر اساس نوع استقرار، شیوه‌های تدفین و داده‌های سفالی نشان می‌دهد.

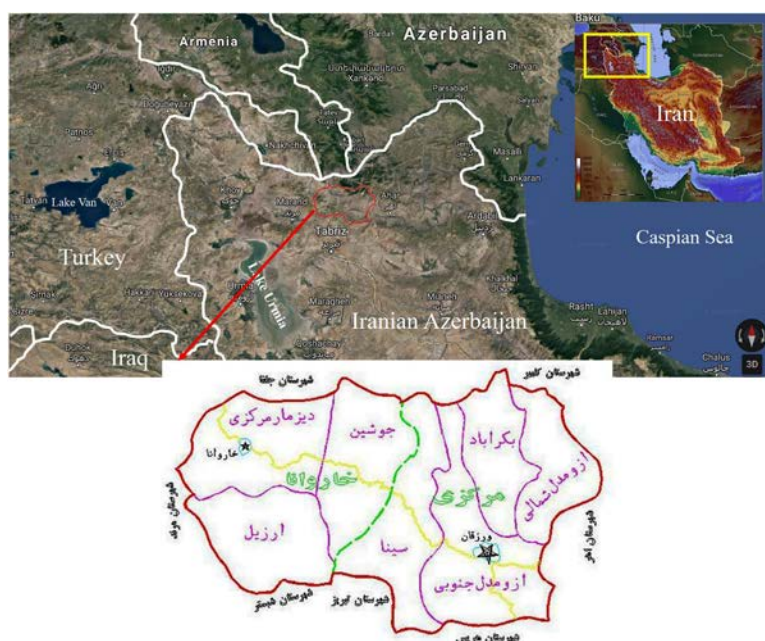
انجام این پژوهش درصدد پاسخگویی به چند پرسش است: (۱) وضعیت محوطه‌های باستانی در شهرستان ورزقان در دوره مفرغ و آهن، و ویژگی‌های مادی و فرهنگی آنها به چه شکلی است؟ (۲) ارتباطات فرهنگی جوامع کوهستانی منطقه شمال غرب ایران در دوران مفرغ و آهن با مناطق هم‌جوار چگونه است؟ فرضیه‌های مطرح‌شده در راستای پرسش‌های فوق عبارت‌اند از: بر اساس بررسی‌های میدانی در منطقه مورد مطالعه می‌توان اذعان کرد که ویژگی‌های فرهنگی و مادی از جمله نوع استقرارها، معماری، سنت‌های سفالی، روش تدفین و ... در منطقه قره‌داغ قابل مقایسه و همگون با منطقه شرق آذربایجان (اردبیل) بوده و به دلیل قرارگیری در مسیر شمال-جنوب قفقاز به فلات ایران و بین‌النهرین، بیشترین تأثیر را از منطقه قفقاز پذیرفته است. در دوره مفرغ میانی تا آهن II مناطق استراتژیکی معمولاً با ساخت قلاع در ارتفاعات مورد نظارت قرار گرفته، استقرار در مناطق پست منطقه محدود بوده و در اولویت قرار نداشته است.

۲. اوضاع طبیعی و جغرافیایی محدوده مورد بررسی

رشته‌کوه قره‌داغ با امتدادی تقریباً شرقی-غربی و طولی در حدود ۲۰۰ کیلومتر دارای ارتفاعات مهم و مرتفع است. شهرستان ورزقان با وسعت ۲۳۶۸ کیلومترمربع در غربی‌ترین نقطه رشته‌کوه قره‌داغ قرار گرفته و برای ورود به این منطقه از قسمت غرب، باید از دره‌های میانکوهی ورزقان عبور کرد. به‌طور کلی ورزقان منطقه‌ای کوهستانی و سردسیر است که اطراف آن را کوه‌های آق‌داغ، مشک‌عنبر، کامتال، جوشون، ایری‌داغ، کیامکی، خاروانا و پیرسقا فرا گرفته‌اند. در این مناطق به دلیل ارتفاع زیاد، اتکا به آب باران و جریان‌های فصلی کوچک، عمدتاً اقتصاد مبتنی بر دامداری و کشت دیم در جریان است و به‌ندرت در دره‌های میانکوهی کوچک از کشت آبی استفاده می‌شود (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۵).

در شهرستان ورزقان رود بزرگ وجود ندارد، اما تعداد رودهای کوچک بسیار زیاد است که تا اواخر بهار آب نسبتاً متنابهی در آنها جاری است. مهم‌ترین رود و منبع آب منطقه، اهر چایی با جریان غربی-شرقی است که

از ارتفاعات پربرف کوه پیرسقا در ۳۵ کیلومتری غرب ورزقان سرچشمه می‌گیرد و پس از پیمودن و آبیاری مسیر ۲۰ کیلومتری جلگه ازومدل به سد ستارخان اهر می‌ریزد. آق‌بلاغ چای از ارتفاعات چراغلی و غازان قلعه سرچشمه می‌گیرد و از شمال به جنوب امتداد یافته و به اهر چای می‌ریزد. جوشون چای از ارتفاعات غربی کوه پیرسقا سرچشمه گرفته و با شیب زیاد و عبور از دره‌های عمیق و پیچ‌درپیچ دیزمار به سمت شمال جریان دارد و در نزدیکی روستای کلو به دوزال چای می‌پیوندد. دوزال چای یا همان حاجیلار چای از شمال ارتفاعات کوه ایری و طرزم و جلاداغ سرچشمه می‌گیرد و از جنوب به شمال با شیب زیاد جاری است. این رود اصلی در حدود ۱۶ فصلی بزرگ در دره‌های باریک مانند جوشون، گول آخور، طرزم، گوی گنبد، مرزآباد، ایری، کلو، آستمال، خاروانا و غیره در خود جذب نموده و در جاهای مختلف نام‌های متعدد به خود می‌گیرد و در نهایت در کنار روستای دوزال به رود ارس می‌پیوندد (عبدالهی، ۱۳۸۵: ۲۱) (نقشه ۱).



نقشه ۱. موقعیت سیاسی شهرستان ورزقان (نگارندگان).

Map 1. Political Situation of Varzeqan city (Iranian Azerbaijan) (Authors).

۳. پیشینه پژوهش

تقریباً هم‌زمان با فعالیت‌های باستان‌شناسی در بین‌النهرین، هیئت‌های باستان‌شناسی خارجی به بررسی و کاوش در آذربایجان ایران پرداختند که ماحصل این فعالیت‌ها منجر به تهیه جداول گاهنگاری باستان‌شناختی حوزه شمال‌غرب ایران شده است. بعد از انقلاب ۱۳۵۷، هیئت‌های ایرانی نیز در منطقه پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند که در مجموع اطلاعات نسبتاً مطلوبی حاصل شده و به فهم هر چه بهتر دو مقوله بررسی‌های باستان‌شناختی و کاوش‌های علمی کمک می‌کند. با نگاهی بر پرونده بررسی‌ها و کاوش‌های شمال‌غرب ایران در می‌یابیم که عمده این فعالیت‌ها به‌ویژه در دوران پیش از انقلاب اسلامی در بخش غربی منطقه یعنی در حوضه دریاچه اورمیه متمرکز بوده و مطالعات در شرق و شمال آذربایجان محدود بوده است. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی مناطق شرقی و شمالی به‌وسیله باستان‌شناسان ایرانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته اما همچنان نیاز به مطالعات میدانی در این منطقه به‌شدت احساس می‌گردد.

حفری‌های گسترده در دشت سلدوز از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۷ در قالب پروژه حسنلو به عنوان مهم‌ترین کاوش‌های هدفمند انجام گرفته در آذربایجان، نقطه شروع بسیار قابل توجه در مطالعات باستان‌شناسی شمال-غرب ایران بود (Dyson 1956). از مهم‌ترین فعالیت‌های میدانی دیگر در غرب منطقه که گاهنگاری دوران مفرغ و آهن شمال‌غرب نیز بر اساس آنها تعریف گردیده، در محوطه‌هایی مانند هفتوان (Burney 1970; 1975; 1973; 1972)، دینخواه (Muscarella 1968)، گوی‌تپه (Brown 1951) و یانیق (Burney 1962) صورت گرفته است. در شرق و شمال حوزه شمال‌غرب در قبل از انقلاب می‌توان از بررسی‌های دمورگان (De Morgan 1984: 265) که موجب شناسایی تعداد زیادی گورستان‌های کلان‌سنگی متعلق به دوره مفرغ و آهن I در منطقه قره‌داغ شد؛ و بررسی‌های کلایس و کرول (Kleiss & Kroll 1979) در راستای شناسایی معماری قلعه‌ها انجام شد، یاد کرد. بعد از انقلاب این نواحی بیش از پیش مورد توجه بوده و از اهم فعالیت‌ها می‌توان به ۴ فصل کاوش در گورستان گوی/کبود مسجد (هژبری‌نوبری ۱۳۷۹؛ ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۲ الف)، ۳ فصل در شهریری (هژبری‌نوبری ۱۳۸۲ ب)، ۳ فصل در گورستان لاریجان خداآفرین (هژبری‌نوبری ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۹)، قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۶ الف)، ۴ فصل در گورستان خانقاه‌گیلوان (رضالو، ۱۳۸۶ ب) و کاوش در گورستان جعفرآباد (ایروانی‌قدیم ۱۳۸۹)، قلعه زردخانه (نیکنمی و کاظم‌پور ۱۳۹۰)، قلعه بوینویوغون (پورفرج ۱۳۹۱)، گورستان خرم‌آباد (رضالو ۱۳۹۱) و گورستان قیزیل‌قیه (حاجی‌زاده ۱۳۹۳) اشاره نمود. گزارش این کاوش‌ها منتشر نشده اما مقالاتی از آنها در مجلات داخلی و خارجی منتشر شده است. نگارندگان نیز پیشتر نتایجی از مطالعات میدانی خود را در این حوزه منتشر کرده‌اند (ناصری‌صومعه و دیگران، ۱۳۹۹؛ هژبری‌نوبری و همکاران، ۱۴۰۰؛ Naseri Someeh, 2021).

۴. ضرورت و اهمیت پژوهش

مطالعات شمال‌غرب ایران در طی دوران مفرغ و آهن، به‌ویژه بعد از متروک شدن محوطه‌های دوران مفرغ قدیم بدین لحاظ اهمیت دارد که در این دوران، شاخصه‌های فرهنگی متمایزی در منطقه دیده می‌شود که مطالعه آنها در قالب یک فرهنگ واحد در کل این حوزه ناصحیح بوده و این منطقه وسیع را که به‌اشتباه از آن به‌عنوان یک حوزه فرهنگی واحد یاد می‌کنند؛ باید به حوزه‌های فرهنگی کوچک‌تری تقسیم کرد تا بتوان برهمکنش‌های منطقه‌ای را به‌خوبی از هم تفکیک نمود (رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳: ۶۶). از جهتی دیگر با وجود فاکتورهایی مانند وسعت زیاد منطقه، موقعیت استراتژیک آن در منطقه حائل بین قفقاز-آناتولی و شمال‌غرب ایران، منابع غنی چوب، دام، معادن فلز و نیروی انسانی، اطلاعات و آگاهی ما نسبت به آن بسیار اندک بوده و تنها تعداد انگشت‌شماری فعالیت باستان‌شناختی در آن صورت گرفته است. لذا خلأ مطالعاتی در این منطقه وجود داشته، به‌ویژه اینکه این منطقه هیچ جایگاهی در جدول گاهنگاری منطقه ایفا نکرده و گاهنگاری آن در قالب فعالیت‌های سایر مناطق به‌ویژه حوضه دریاچه اورمیه تبیین می‌گردد. این مسئله در حالی صورت می‌گیرد که همان گزارش‌های اندک مطالعاتی در منطقه، بر تفاوت در نوع استقرارها، تدفین، اقتصاد و سایر شاخصه‌ها با حوضه دریاچه اورمیه تأکید دارد (پورفرج، ۱۳۸۶: ۴؛ رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳: ۶۵). از این‌رو، جهت درک هر چه بهتر و صحیح‌تر از چگونگی تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع انسانی پیشین، مسیرهای ارتباطی و تجاری شمال آذربایجان، تبیین فرهنگ‌های ادوار مختلف در منطقه، ترسیم چشم‌انداز بلندمدت

علمی و درک جایگاه باستان‌شناسی منطقه و ایجاد زمینه لازم جهت انتخاب هوشمندانه محوطه‌های ارزشمند برای کاوش‌های آتی، انجام فعالیت‌های باستان‌شناختی ضروری دیده می‌شود.

۵. کلیات و شیوه کار

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تاریخی و اطلاعات آن با بررسی فشرده و سامانمند میدانی گردآوری شده است. در این بررسی دهستان‌های شهرستان به ترتیب از شرق به غرب پیمایش شد. طبق اهداف و سؤالات تعریف‌شده پروژه، تنها اطلاعات محوطه‌های دوره مفرغ و آهن ثبت و ضبط گردید و روش نمونه‌برداری به صورت انتخاب تصادفی بوده است. ثبت و ضبط اطلاعات در محل محوطه، مواردی مانند ثبت موقعیت اثر و ارتفاع آن از سطح دریا با دستگاه GPS، نگارش توصیفات مربوط به ویژگی‌های محوطه و محیط آن، عکاسی از جوانب مختلف محوطه‌ها، تهیه کروکی و توپوگرافی، عوارض مصنوعی و سازه یا ساختارهای موجود در آنها، نمونه‌برداری داده‌های سطحی از قبیل سفال و ادوات سنگی، طرح پلان بناها یا قبور را شامل می‌گردید. برای نتیجه‌گیری بهتر و پوشش حداکثری مناطق، از تصاویر هوایی بهره گرفته شد. مستندسازی یافته‌ها، ثبت اطلاعات مربوط به آنها، آمارگیری یافته‌ها، طراحی و عکاسی آنها و در نهایت تحلیل و مطالعه تطبیقی با سایر محوطه‌های مجاور هم‌زمان، از مراحل بعدی انجام این کار بود.

۶. یافته‌های پژوهش و تاریخ‌گذاری

در بررسی باستان‌شناختی شهرستان ورزقان، ۱۴۳ محوطه مربوط به ادوار مفرغ و آهن شناسایی و مستند نگاری شد که شامل انواع گورستان‌ها، محوطه‌های استقرار، قلاع یا استحکامات دفاعی و بناهای دیدبانی می‌گردد (نمودار ۱). از آنجا که سفال مهم‌ترین یافته بررسی میدانی است که بر اساس آن می‌توان در مورد دوره‌های فرهنگی مختلف بحث و گاهنگاری محوطه‌های شناسایی‌شده را ارائه داد؛ لذا گاهنگاری نسبی داده‌ها بر اساس مطالعه نمونه سفال‌های برداشت‌شده از سطح محوطه‌ها و قیاس آنها با نمونه‌های حاصل از لایه‌های فرهنگی در کاوش‌های علمی صورت گرفته است. بدین‌صورت که داده‌های سطحی، در مقیاس استقرار با محوطه‌های شاخص هم‌دوره مانند شهریری، گیلوان، قلعه خسرو و زردخانه؛ در مقیاس ناحیه با محوطه‌های حوضه دریاچه اورمیه در غرب به‌ویژه مسجد کبود، یانیق، حسنلو و هفتوان و اردبیل در شرق؛ و در مقیاس منطقه با محوطه‌های مناطق هم‌جوار خارج از مرزهای کنونی (آناطولی و قفقاز) مورد قیاس قرار گرفته است. طبق مطالعه تطبیقی صورت گرفته از نظر گاهنگاری، فرهنگ مفرغ قدیم منطقه بخشی از فرهنگ گسترده کورا-ارس است که علاوه بر شمال غرب ایران، بخش‌های وسیعی از آسیای صغیر، لوانت و قفقاز را نیز شامل می‌شود (Batiuk, 2013: 450). تاریخ‌گذاری فرهنگ کورا-ارس بر اساس مواد فرهنگی آن از دوران شکل‌گیری تا مرحله III کورا-ارس در حدود ۴۰۰۰/۴۱۰۰ تا ۲۰۰۰/۲۲۰۰ ق.م تخمین می‌شود. در پی فروپاشی جوامع کورا-ارس در اواخر هزاره ۳ پ.م. شاهد شکوفایی فرهنگ‌هایی (مفرغ میانی) با سنت سفال منقوش در کنار سفال سیاه صیقلی در هزاره ۲ ق.م. هستیم. فرهنگ‌های سفالی این دوره در شمال غرب ایران، شرق ترکیه و قفقاز، شامل فرهنگ‌های خابور، تریالنتی، قزل-وانک/وان-اورمیه (کارمیر-وانک)، تازه‌کند (کارمیربرد) و سوان-اوزرلیک (قره‌باغ) است (Özfirat, 2001: 17; Belli & Bahşaliyev, 2001: 51; Kushnareva, 1997: 84). به نظر می‌رسد این فرهنگ‌ها دارای منشأ منطقه‌ای بوده‌اند. دوره مفرغ میانی را با فرهنگ‌های متنوع

محلّی در بازه حدودی ۲۳۰۰ تا ۱۵۵۰/۱۴۵۰ تاریخ‌گذاری کرده‌اند (Danti et al. 2009: 27-30; Smith et al. 2013a: 13).

در زمینه باستان‌شناسی اواخر مفرغ و آهن شمال‌غرب ایران گاهنگاری‌های متفاوتی توسط افرادی از جمله کایلر یانگ (Young 1965)، رابرت دایسون (Dyson & Muscarella 1989)، مدوسکایا (Medvedskaya 1982) و مایکل دانتی (Danti 2013a-b) مطرح شده است. در سال‌های اخیر دانتی پژوهشی در رابطه با دوره مفرغ جدید و آغاز دوره آهن در آذربایجان ایران انجام داده که در نتیجه آن تاریخ‌های ۱۲۵۰-۱۴۵۰ ق.م را دوران مفرغ جدید، ۱۰۵۰-۱۲۵۰ ق.م را آهن I، ۸۰۰-۱۰۵۰ ق.م را آهن II و ۵۵۰-۸۰۰ ق.م را آهن III تعریف می‌کند (Danti 2013b: 336-369). این گاهنگاری در میان پژوهشگران منطقه پذیرفته‌شده‌تر است.

۱-۶. دوره مفرغ

وضعیت استقرارها در منطقه مورد بررسی در دوران مفرغ قدیم و میانی (هزاره سوم و نیمه اول هزاره دوم ق.م) بسیار ضعیف است، چنانکه در کل منطقه تنها از ۳ محوطه استقرار داده‌های سطحی مربوط به دوره مفرغ قدیم (کورا-ارس) به دست آمد که ۲ در دشت، و دیگری در کوهپایه‌های نزدیک به ارتفاعات واقع است. این محوطه‌ها در واقع در مناطق دارای پتانسیل کشاورزی و نزدیک به رودخانه‌های دائمی شکل گرفته‌اند. داده‌های سطحی به‌دست‌آمده از این محوطه‌ها شامل سفال‌های سیاه، خاکستری و قهوه‌ای است. این سفال‌ها اغلب دست‌ساز با آمیزه شن ریز و احتمالاً خرده سفال هستند. سفال‌های دسته نخجوانی از شاخصه‌های ویژه برای شناسایی این محوطه‌ها بوده است (تصویر ۱). از این محوطه‌ها هیچ‌گونه سفال با نقش‌کننده که در فازهای اولیه محوطه‌های دوره مفرغ شمال‌غرب و قفقاز مرسوم است، به دست نیامد. بنابراین به نظر می‌رسد محوطه‌های دوره مفرغ قدیم و ورزقان دارای مشخصه‌های دوره مفرغ قدیم II یا کورا-ارس III هستند که می‌توان آنها را با فازهای K3 گوی تپه (Sagona 1984: 65)، هفتون VII (Burney 1975: 150)، کول تپه هادی‌شهر (Abedi et al. 2014: 144) و کهنه پاسگاه (Maziar 2010: 175) هم‌زمان دانست.



تصویر ۱. سفال‌های دوره مفرغ قدیم از ورزقان (هژبری ۱۳۹۶ الف: ۳۷۹)

Fig 1. Sherds belong to Early Bronze Age from Varzeqan (Hejebri 2017a: 379)

از ۱۲ محوطه در ورزقان، شامل ۵ استقرار و ۷ گورستان، داده‌های سطحی مربوط به دوره مفرغ میانی به‌دست‌آمده است (نقشه ۲A). از این بین ۴ محوطه استقرار در ارتفاعات (استحکام‌بندی شده) و ۱ محوطه استقرار در کوهپایه واقع است (نمودار ۲). به نظر می‌رسد دو مورد از این قلعه‌ها با توجه به شاخصه‌هایی

مانند وسعت زیاد، معماری پیچیده‌تر و منظم‌تر، وجود قلاع اقماری در اطراف آنها، قرارگیری گورستان وسیع در کنار آنها و موقعیت ویژه آنها، احتمالاً کاربری مرکزی/ اداری و دو مورد دیگر نیز به صورت اقماری نقش نظامی یا حراستی/بشتیبانی داشته است. این قلعه‌ها به صورت سایکلوپین (Cyclopean) یا به عبارت دیگر استحکامات ساخته‌شده با سنگ‌های نامنظم و بزرگ به صورت خشکه‌چین هستند که برای اولین بار در منطقه دیده می‌شوند. اکثر گورهای به‌دست‌آمده از این دوره از نوع کروملچ (Cromlech) یا قبور با سنگچین مدور است (تصویر ۲). سفال‌های دوره مفرغ میانی منطقه ورزقان به صورت دست‌ساز، با بافت ترد و شکننده و شاموت شن، در سه طیف رنگی خاکستری/سیاه، نخودی و نخودی با پوشش نارنجی و به اشکال پیاله، کاسه، خمره دهانه بسته با بدنه کرووی، خمره دهانه بسته با بدنه بیضوی، خمره دهانه باز، تُنگ با دسته دماغی کوچک و ظرف پایه‌دار (میوه‌خوری) هستند. در تزئین سفال‌ها از نقوش داغدار، نقطه‌نقطه (کنده سوزنی)، کنده خط‌چین و کنده زیگراگی استفاده‌شده و طرح‌ها به صورت خطوط نقطه‌چین یا کنده ساده، مثلثی، موجدار و زیگزاگ آویزان گردنبندی شکل یا طرح‌های کمانی دور ظرف است که از شانه‌های ظرف به‌سوی شکم (بدنه) ظرف گسترش می‌یابد (تصویر ۳). این سفال‌ها بیش از هر منطقه‌ای با سفال‌های فرهنگ قره‌باغ یا سوان-اوزرلیک در قفقاز (Smith et al. 2009: 28) قابل مقایسه است.



تصویر ۳. سفال‌های اواخر دوره مفرغ میانی و اوایل مفرغ جدید (هژبری ۱۳۹۶ب: ۴۷-۱۲۹)

Fig 3. Middle Bronze age III/Late Bronze Age Pottery (Hejebri 2017b: 47-129).



تصویر ۲. یک گور با سنگچین مدور از گورستان قلعه‌بوینو روادانق ورزقان (هژبری ۱۳۹۶ب: ۸۷)

Fig 2. A Cromlech tomb from cemetery of Qalaboynu (Hejebri 2017b: 87).

در دوره مفرغ جدید تغییرات محسوسی از نظر افزایش استقرار و جمعیت صورت می‌گردد؛ به طوری که تعداد محوطه‌های این دوره در به ۶۷ عدد، شامل ۲۴ استقرار و ۴۳ گورستان افزایش می‌یابد (نقشه ۲B؛ نمودار ۳). تنها ۳ محوطه استقراری در دشت و یا کوهپایه‌ها نزدیک به دشت قرار دارند. ۲۱ محوطه در ارتفاعات واقع شده و از نوع محوطه‌های دارای استحکامات دفاعی هستند که به نظر می‌رسد از این بین ۹ محوطه نقش مرکزی/اداری، ۹ محوطه نقش نظامی/بشتیبانی (اقماری) و ۳ محوطه احتمالاً نقش دیدبانی داشته‌اند. این تعداد، افزایش تقریبی ۴۵۸٪ در تعداد کل محوطه‌ها، ۳۸۰٪ در تعداد استقرارها و ۵۱۴٪ در تعداد گورستان‌ها را نسبت به دوره قبل نشان می‌دهد. گورستان‌های این دوره حاوی قبور با اشکال کورگانی، چهارچینه سنگی و کروملچ هستند (تصویر ۴). نکته قابل توجه در این دوره نیز عدم اولویت اسکان در مناطق کم ارتفاع (دشت) و نزدیک به دشت و اولویت مناطق مرتفع و استقرارهای دارای استحکام‌بندی است. استحکامات به همان روش

سایکلویی دوره مفرغ میانی با قطعات سنگی بزرگ بدون تراش و به صورت خشکه‌چین ساخته شده‌اند که پلان عمومی آنها از توپوگرافی عوارض طبیعی تبعیت می‌کند. ساخت محوطه‌ها در نقاطی انتخاب شده‌اند که به آسانی قابلیت دفاع دارند، یعنی حین اینکه محوطه‌ها با ساخت دیوار دفاعی در تمام جهات حفاظت شده، موقعیت آنها با قرارگیری بر بالای برآمدگی‌های صخره‌ای که از اغلب جهات با شیب‌های تند به پرتگاه‌ها متصل است، پوشش دفاعی داده شده و تنها از یک جهت با شیب ملایم قابل دسترس هستند. چنین وضعیتی در شرق منطقه در اردبیل (رضالو و آیرملو ۱۳۹۳: ۶۶)، قفقاز (Smith 1999: 84 ; Kohl 2001: 324) و شرق آناتولی (Özfiat, 2017: 69) نیز گزارش شده است.

سفال‌های این دوره علاوه بر تداوم برخی از سبک‌های تزئینی و فرمی پیشین، با معرفی فرم‌ها و سبک‌های تزئینی جدید از قبیل سفال‌های خاکستری-قهوه‌ای، سیاه-خاکستری، زرد-قهوه‌ای (قهوه‌ای روشن متمایل به زرد) و نخودی، با نقوش تزئینی از قبیل کنده‌شیری یا کمربندی افقی، موازی با لبه بر روی شانه و زیر لبه، موتیف‌های ناخنی و فشاری (گاه بر روی کمربندی‌های افزوده) و به صورت محدود داغدار بر روی شانه و بدنه میانی ظروف مشخص است (تصویر ۵). فرم ظروف شامل دیگچه‌های گردن کوتاه، کاسه با لبه مقعر و کف محدب هستند. سفال‌های این دوره عمدتاً چرخ‌ساز با شاموت معدنی ریز بوده و نسبت به سفال‌های دوره قبل بافت منسجم‌تر و شکنندگی کمتری دارند. در این دوره نیز سفال‌ها بیش از هر منطقه‌ای با سفال‌های منطقه قفقاز (Smith et al. 2009: 68) و شرق آناتولی (Özfiat, 2017: 69) قابل مقایسه است و مشابهت اندکی با حوضه دریاچه اورمیه دیده می‌شود.



تصویر ۵. قطعات سفالی متعلق به دوره مفرغ جدید (ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۳۳۸).

Fig 5. Sherds belong to the Late Bronze age from Varzeqan (Naseri Someeh 2020: 338).



تصویر ۴. نمایی از کورگان اولیوق - ورزقان (ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۳۳۲).

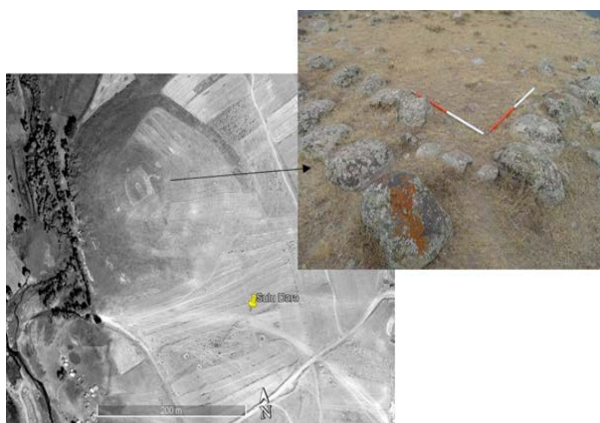
Fig 4. Kurgan of Oyluq-Varzeqan (Naseri Someeh 1398: 332).

۲-۶. دوره آهن I و II

در بررسی شهرستان ورزقان حدود ۱۱۲ محوطه مربوط به دوران آهن I شناسایی شد (نقشه ۲C) که به نوعی نشان‌دهنده ادامه تغییرات رو به رشد جمعیتی در این دوره است. از این تعداد ۴۳ محوطه استقرار بوده که ۱۰ محوطه در دشت و کوهپایه و ۳۳ محوطه با استحکامات دفاعی در ارتفاعات واقع هستند و ۶۹ محوطه نیز گورستان است (نمودار ۴). این محوطه‌ها افزایش ۶۷٪ در تعداد کل، ۲۳۳٪ در استقرارهای واقع در دشت، ۵۷٪ در استقرارهای کوهستانی و ۶۰/۵٪ در تعداد گورستان‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که آمار نشان می‌-

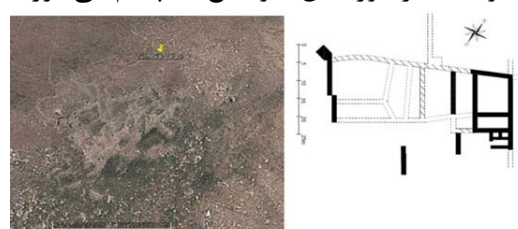
دهد، در این دوره استقرار در دشت یا نزدیک به دشت در کوهپایه‌ها نسبت به دوره مفرغ با اقبال بیشتری روبه‌رو گردیده است. اغلب محوطه‌های کوهستانی دوره پیش در این دوره نیز دارای استقرار بوده و نشانی از ترک محوطه‌ها دیده نمی‌شود.

شرایط استقرار در دوره آهن II نسبت به دوره پیشتر تغییر نکرده و تنها تعداد محوطه‌ها کاهش یافته است. در بررسی انجام‌شده حدود ۷۹ محوطه مربوط به دوره آهن II شامل ۳۷ استقرار و ۴۲ گورستان شناسایی گردید (نقشه ۲D؛ نمودار ۵). از این میان ۱۵ محوطه استقراری در دشت و کوهپایه‌ها قرار داشته و ۲۲ محوطه مربوط به استقرارهای واقع در ارتفاعات و از نوع محوطه‌های دارای استحکامات دفاعی است. این تعداد کاهش ۲۹٪ را در کل محوطه‌ها، ۳۳٪ در استقرارهای کوهستانی و ۳۹٪ در گورستان‌ها و افزایش ۵۰٪ در استقرارهای واقع در دشت و کوهپایه‌ها را نشان می‌دهد. این تغییرات نشان می‌دهد که در دوره آهن II دشت‌ها و کوهپایه‌ها بیشتر مورد اقبال قرار گرفته و با افزایش جمعیت و نقاط اسکان مواجه بوده و کاهش کلی محوطه‌ها در گورستان‌ها و قلاع به چشم می‌خورد.



تصویر ۷. عکس ماهواره‌ای قلعه سولودره (ناصری ۱۳۹۸: ۳۲۳).

Fig 7. Aerial photo of Suludere fort (Naseri Someeh 2020: 323).



تصویر ۶. قلعه عصر آهنی ظلم‌آباد (ناصری ۱۳۹۸: ۳۲۶)

Fig 6. The Iron age fortress of Zulmabad (Naseri Someeh 2020: 326)



با توجه به بررسی محوطه‌های دوران آهن I و II، به نظر می‌رسد الگوی مکان‌گزینی محوطه‌ها به‌ویژه محوطه‌های استحکام‌بندی شده، ساختار معماری و همچنین شیوه تدفین آنها در منطقه کوهستانی قره‌داغ از بطن دوره مفرغ جدید به وجود آمده است (تصویر ۶-۸). درصد زیادی از سفال‌ها را نوع خاکستری تشکیل می‌دهد که اغلب در اشکال ظروف نیمه‌ظریف مانند کاسه و فنجان/لیوان دیده می‌شود. در ظروف نیمه‌ظریف سفال-هایی با لعاب گلی قرمز (غیر اورارتویی) نیز به چشم می‌خورد. ظروف نخودی معمولاً به حالت زمخت و در اشکالی مانند خمره‌ها وجود دارد. بخشی از ویژگی‌های فرهنگ سفالی دوره مفرغ جدید به‌ویژه نقوش ناخنی و داغدار تداوم این موتیف‌های تزئینی را نشان می‌دهد. نقوش داغدار شطرنجی (مربع و لوزی) که اغلب در زیر لبه و بر روی بدنه کاسه‌ها اجرا شده، در این دوره رواج بیشتری یافته است. از طرفی ظروف با شیارهای افقی موازی در زیر لبه نیز رایج شده است. این ظروف از شاخصه‌های سفالی شرق آناتولی در دوره آهن I شمرده می‌شود (Konyar 2004: 93-125). از ویژگی‌های مهم سفالی دیگر در این دوره می‌توان به سفال‌های لوله‌دار، کاسه‌های سوراخ‌دار در زیر لبه، دسته‌های دارای زائده شاخی شکل (تصویر ۹) و تزئین با خطوط افزوده عمودی اشاره کرد که نمایانگر ارتباطات با حوضه دریاچه اورمیه است.



تصویر ۹. قطعات سفالی عصر آهن II (ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۳۴۲).

Fig 9. Sherds belong to the Iron age II (Naseri Someeh 2020: 342).

تصویر ۸. قلعه لنبران با دیوارهای سنگی خشکه چین بزرگ (ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۳۲۳).

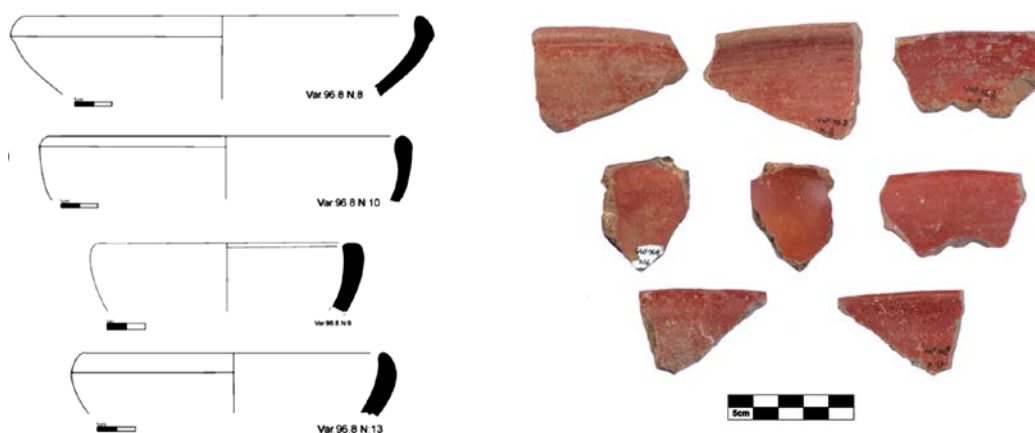
Fig 8. Lenbaran fortress with drystone walls (Naseri Someeh 1398: 323).

۳-۶. دوره آهن III (اورارتو)

دوران آهن III در شمال و غرب آذربایجان همزمان است با لشکرکشی اورارتوها به منطقه و فتوحاتی که از طریق خوانش کتیبه‌های درج‌شده شاهان اورارتویی در مناطق مفتوحه، با آنها آشنا شده‌ایم. بر اساس این کتیبه‌ها، با ورود سپاهیان پادشاهی اورارتو، قلاع و شهرها یکی پس از دیگری فتح شده‌اند. اورارتوها در منطقه قلاع جدید برای خودساخته و احتمالاً جانشین یا خراج‌گزاری در آنها اسکان داده‌اند (ناصری صومعه و همکاران ۱۳۹۴: ۱۵۶). دولت اورارتو با معیارهای خاص خود مخصوصاً در معماری سنگی (قلعه‌ها، خندق‌ها و ... (Kroll, 2011)، سفالگری (به‌ویژه سفال قرمز صیقلی) (Erdem & Konyar, 2011: 170)، کتیبه‌های میخی، مذهب، آرامگاه‌های صخره‌ای برای طبقه حاکم و سیستم آبرسانی تعریف می‌شود. این معیارها با فاصله گرفتن از مرکز دولت و شهرهای بزرگ آن کم‌رنگ‌تر می‌شود (Köroğlu, 2011: 24-25). از تمام این معیارها، تنها می‌توان به کتیبه اورارتویی سغندل و محوطه‌هایی در ورزقان اشاره کرد که حاوی سفال قرمز صیقلی اورارتویی (تصویر ۱۱) هستند و عناصر دیگر نیاز به کاوش و بررسی‌های بیشتر دارد. در کتیبه سغندل، ساردوری دوم شاه اورارتویی به تصرف ۲۱ قلعه، ۵۵ شهر و حاکمیت بر منطقه اشاره می‌کند (Salvini 1982: 36) (تصویر ۱۰). در بررسی میدانی ورزقان، تنها ۱۳ محوطه حاوی سفال قرمز نوع اورارتویی شناسایی شد (نقشه ۲E) که کاهش عجیب و شگفت‌انگیزی نسبت به دوره آهن II را نشان می‌دهد. البته محوطه‌هایی با تعداد قطعات اندک سفال قرمز نیز وجود داشته که با در نظر گرفتن آنها تعداد این محوطه‌ها به عدد ۲۵ نیز خواهد رسید ولی با توجه به شواهد سطحی کم و عدم اطمینان، از احتساب آنها در جامعه آماری خودداری شده است. هر ۱۳ محوطه شناسایی‌شده، به‌صورت محوطه‌های استقرار، شامل ۸ محوطه واقع در دشت یا کوهپایه و ۵ محوطه در نقاط مرتفع قرار گرفته و جالب اینکه هیچ‌گونه گورستانی منتسب به این دوره شناسایی نشد (نمودار ۶). این محوطه‌ها نسبت به محوطه‌های اصلی دوره‌های قبل در میانگین ارتفاع پایین‌تری بنا شده و دسترسی بهتری به مسیرهای باستانی و گذرگاه‌های استراتژیک دارند.



تصویر ۱۰. سنگ‌نوشته ساردوری دوم (راست)، پلان قلعه عصر آهنی (وسط) و اورارتویی (چپ) در سغندل (Kleiss 1969:82)
 Fig 10. Sarduri II inscription (right), plan of Iron age fortress (middle) and Urtian fortress (left) in Sigindil (Kleiss 1969: 82).



تصویر ۱۱. قطعات سفال قرمز اورارتویی از ورزقان (ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۳۴۴).
 Fig 11. Red-slipped Sherds belong to Urtian period-Varzeqan (Naseri Someeh 2020: 344).

۷. تحلیل و نتیجه‌گیری

بررسی‌های سطحی باستان‌شناختی توانایی‌های ویژه‌ای را از نظر مطالعات پراکندگی استقرارها و روابط میان آنها دارا هستند. بررسی‌ها می‌توانند اطلاعات کافی جهت درک هر چه بهتر و صحیح‌تر از چگونگی تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع انسانی پیشین را در اختیار پژوهشگران قرار دهد (سبزی‌دوآبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۵) و زمینه لازم جهت انتخاب هوشمندانه محوطه‌های ارزشمند برای کاوش را مهیا سازند. در این بین مطالعات و بررسی‌های میدانی صورت گرفته در ورزقان نیز به منظور آماده‌سازی زمینه‌های لازم جهت مطالعات آتی، ثبت تحولات در گذر از هر دوره به دوره دیگر در رابطه با نوسانات جمعیتی، الگوی مکان‌گزینی و استقرار، شیوه معیشت و روش تدفین انجام گرفته است. همان‌طور که در متن اشاره شد، در دوره مفرغ قدیم منطقه ورزقان از نظر اسکان جوامع، چندان مورد توجه نبوده است. اینکه در منطقه‌ای مانند قره‌داغ به دلیل ارتفاع بالا، کمبود زمین‌های کشاورزی آبی، عدم وجود دشت‌های پرآب و فراخ و همچنین روزهای طولانی فصول سرد-به مدت حداقل ۶ ماه در سال- استقرارهای کورا-رسی اندک باشد، طبیعی به نظر می‌رسد؛ چراکه بر اساس کاوش‌های صورت گرفته در منطقه، مناطق اشغال‌شده توسط جوامع کشاورز و دامدار

کورا-ارسی عمدتاً در دشت‌ها و یا کنار رودخانه‌ها، نزدیک شریان‌های آبی دائمی بوده و این جوامع از این طریق کشاورزی خود را بهبود می‌بخشیدند (Edens 1995: 54; Kushnareva 1997: 43).

در دوره مفرغ میانی تغییرات محسوسی از نظر شیوه استقرار نسبت به دوره قبل در محوطه‌ها مشاهده می‌شود. با توجه به موقعیت محوطه‌ها قابل استنباط است که مکان‌گزینی محوطه‌ها تغییر کرده و با متروک شدن محوطه‌های منتسب به دوره مفرغ قدیم در دشت‌ها و کوهپایه‌ها، جمعیت منطقه در دوره مفرغ میانی تمایل به استقرار در ارتفاعات کوهستانی و خالی از سکنه یافته و برای اولین بار در منطقه (ورزقان)، شواهد اولیه ایجاد استحکامات دفاعی سایکلویی در ارتفاعات و نیز ظهور گورستان‌های کلان‌سنگی (نوع کورگانی و کروملچ) دیده می‌شود. از آنجایی که در شمال غرب ایران کاوش‌های منسجمی در رابطه با مسئله انتقال از دوره مفرغ قدیم به مفرغ میانی صورت نگرفته، لذا ما نمی‌دانیم که چه بازه زمانی بین ترک محوطه‌های دائمی کورا-ارسی منطقه و ایجاد شیوه‌های معیشتی جدید به صورت کوچروی عشیره‌ای و استقرار در کوهستان‌ها و ظهور کورگان‌ها در منطقه طول کشیده است. در قفقاز دوره گذار مفرغ قدیم به میانی با ظهور کورگان‌های اولیه یا فرهنگ مارتکویی-بدنی در محوطه‌هایی مانند آمیرانس گورا III، ایلتو، تسیخیاگورا، مینگه‌چویر و ولی-کنت شناخته می‌شود که به طور واضح یادآور سنت‌های کورا-ارسی و ترکیبی از عناصر فرمی و تزئینی جدید است (Smith et al. 2009: 52).

به هر روی، با توجه به داده‌های سفالی سطحی و همچنین کاوش گورستان قلعه بوینو ورزقان (هژبری نوبری ۱۳۹۶ب)، به نظر می‌رسد محوطه‌های منتسب به دوره مفرغ میانی ورزقان به اواخر دوره مفرغ میانی و اوایل دوره مفرغ جدید تعلق دارند. هر چند گورستان‌هایی وجود دارد که می‌توان آنها را به اوایل و اواسط دوره مفرغ میانی نسبت داد اما نبود داده‌های سطحی کافی، انتساب آنها را با شبهه مواجه می‌سازد. لذا به نظر می‌رسد در اوایل و اواسط دوره مفرغ میانی استقرار در منطقه وجود نداشته باشد و احتمالاً تنها جوامع کوچرو با گورستان‌های پراکنده حضور داشتند و رفته‌رفته استقرارهای کوهستانی در اواخر دوره مفرغ میانی شکل گرفته است. این مسئله می‌تواند بیان‌کننده تحولات اجتماعی در ابعاد گسترده در منطقه باشد که نشان‌دهنده اشغال اراضی مرتفع به وسیله عشایر دامدار است.

در دوره مفرغ جدید فرم استقرارها، مکان‌گزینی آنها و گونه‌شناسی قبور تفاوت چندانی با دوره میانی را نشان نمی‌دهد. افزایش تعداد استقرارها (مجموعه‌های قلعه-گورستان‌ها) جالب توجه‌ترین نکته این دوران است که می‌توان از آن با عنوان تغییرات معنادار جمعیتی یاد کرد. این تحول از نشانه‌های افزایش جمعیت منطقه و یا استقرار یافتن جوامع کوچرو دوره مفرغ میانی می‌تواند باشد. از آنجایی که نقاط استقرار همچنان در ارتفاعات غیرقابل کشاورزی آبی قرار دارند، لذا می‌توان تصور کرد که معیشت جامعه همچنان بر دامداری استوار بوده است. نکته مهم دیگر شکل‌گیری قلعه‌های نظامی اقماری و نقاط دیدبانی در اطراف قلعه‌های بزرگ با دیوارهای ضخیم سنگی و گاه چند لایه با قابلیت نقش مرکزی در این دوران است. قلعه‌های اقماری که معمولاً در اطراف آنها گورستان وجود ندارد و یا به صورت گورستان‌های کوچک یا گورهای پراکنده قابل مشاهده هستند. با توجه به این گفته‌ها، پس از فروپاشی فرهنگ کورا-ارسی، نخستین شواهد روشن برای پیچیدگی اجتماعی-سیاسی در شرق شمال غرب ایران در اواخر دوره مفرغ میانی/اوایل مفرغ جدید ظاهر

می‌شود. این شواهد به‌طور واضح با ظهور استقرارهای دائمی در اشکال مختلف استحکامات سنگی ساخته‌شده در ارتفاعات و گورستان‌های بزرگ مجاور آنها مشخص است. این شبکه‌های قلاع به هم مرتبط را می‌توان نخستین ساختارهای قدرت سیاسی دانست که سیستم حکومت‌های اولیه و کوچک محلی بعدی را که در کتیبه‌های اورارتویی از آنها نام برده شده، پایه‌ریزی نمودند.

اما تحولاتی مانند ترک محوطه‌های کورا-ارسی و شکل‌گیری جوامع کوچ‌رو در اوایل دوره مفرغ میانی و سپس ظهور و فراگیر شدن قلاع سایکلویی با گورستان‌های عظیم کلان‌سنگی در مجاورت آنها (مجموعه‌های قلعه-گورستانی) به‌صورت تدفین‌های کروملج و کورگانی در اواخر دوره مفرغ میانی و مفرغ جدید، بیش از آنکه همگام با تحولات دریاچه اورمیه باشد، مشابه و همگام با تحولات صورت گرفته در مناطق شمالی رود ارس در قفقاز است. فرهنگ سفالی رایج در ورزقان بیش از هر جایی مشابه منطقه کوهستانی قره‌باغ و فرهنگ سفالی قره‌باغ یا سوان-اوزرلیک است. در این دوره در جنوب و غرب حوضه دریاچه اورمیه، سفال‌های موسوم به خابور و اورمیه رایج بوده که عمدتاً از گورهای و استقرارهایی با فرم‌های متفاوت از حوزه کوهستانی قره‌داغ از نظر ساختار (قبور) و مکان‌گزینی (عدم اولویت ارتفاعات) به‌دست آمده است.

روند رو به رشد استقرارها در دوره آهن I در منطقه، به مانند دوره مفرغ جدید ادامه یافته و نوع استقرارهای کوهستانی و گورستان‌ها از نظر ماهیت، فرم و مکان‌گزینی تفاوت چندانی با گذشته نیافته است. تنها نکته قابل توجه در این دوره توجه به مناطق دشتی و کوهپایه‌ای است که در دوره مفرغ میانه و جدید چندان مورد توجه نبود. این مسئله را می‌توان نوعی ایجاد توازن در استقرارهای کوهستانی و مناطق دشتی با گرایش مجدد به کشاورزی آبی در مناطق مستعد پست و همچنین رسمیت فرایند نابرابری یا شکاف اجتماعی و شکل‌گیری طبقات اجتماعی با ایجاد دو گونه استقرار در محوطه‌های بدون حصار و محافظ واقع در دشت و استقرارهای داخل استحکامات دفاعی در نقاط مرتفع معنی کرد. با توجه به اینکه منطقه چندان مستعد کشاورزی آبی نیست، لذا اکثر این محوطه‌ها روستاهای خیلی کوچکی هستند که دامنه فعالیت‌های کشاورزی آنها نمی‌توانسته خیلی وسیع و گسترده باشد. همچنین اسکان در دشت‌ها می‌توانسته حاصل آرامش سیاسی منطقه و تغییر شیوه معیشت بخشی از جوامع دامدار به یکجانشینی و نیاز به غلات و محصولات کشاورزی دانست.

روند رشد استقرارها در دوره آهن II نسبت به دوره مفرغ قدیم تا جدید و آهن I معکوس می‌گردد. دقیقاً مشخص نیست چه عاملی موجب معکوس شدن این روند شده است. دلایلی مثل متروک شدن روستاهای کوچک و تجمع در روستاهای خاص و افزایش وسعت آنها، شیوع بیماری‌ها و تهدیدات برون‌مرزی از مناطق هم‌جوار مانند اورارتو و آشور و حتی اقوام شمال رود ارس از گزینه‌های قابل مطالعه هستند که البته تنها با کاوش‌های سامانمند و مطالعات مشابه قابل پاسخ است. از آنجایی که در این دوره سکونت در دشت‌ها نسبت به آهن I افزایش یافته و کاهش محوطه‌ها در محوطه‌های کوهستانی و گورستان‌ها دیده می‌شود لذا گزینه‌هایی مثل جنگ و بیماری کم احتمال‌تر به نظر می‌رسد.

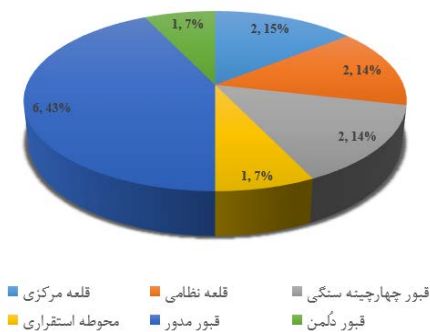
نکته مهم قابل اشاره در رابطه با گورستان‌ها و شیوه تدفین در دوره مفرغ میانی- آهن II در منطقه، تنوع فرمی قبور است. ۵ نوع تدفین در اشکال کورگانی، چهار چینه سنگی، مدور، صندوقی و دلمن در منطقه شناسایی گردیده است. قبور صندوقی به تعداد محدود در ۱ گورستان و قبور دلمن در ۲ گورستان در کنار

سایر گورها شناسایی گردیدند. ۶ گورستان از نوع کورگانی، ۵۲ گورستان حاوی قبور چهار چینه سنگی و ۳۶ گورستان حاوی قبور مدور سنگی است. لازم به ذکر است که در تعداد زیادی از گورستان‌ها چند نوع از این فرم قبور در کنار هم قرار دارند. هر چند که با توجه به کاوش‌های مختلف در منطقه و مناطق هم‌جوار همسایه به نظر می‌رسد که تمامی این اشکال قبور در بازه زمانی مفرغ میانی- آهن II استفاده شده است، اما با توجه به سطح پراکندگی سفال‌ها به نظر می‌رسد با فرا رسیدن دوره آهن از تعداد گورستان‌ها و قبور مدور سنگی کاسته شده و قبور چهار چینه متداول‌تر می‌گردد.

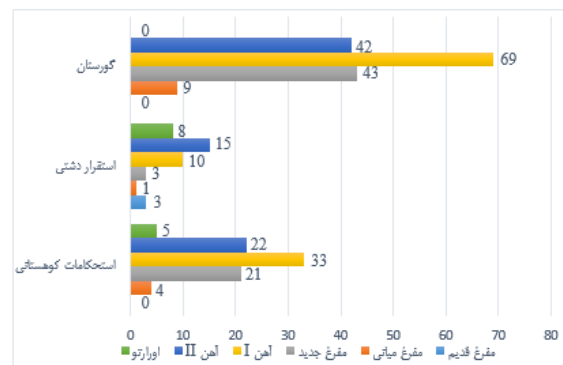
در دوره آهن III منطقه قره داغ دستخوش تحولات سیاسی متفاوتی نسبت به دوره قبل می‌گردد. در این دوره بنا بر نوشته‌های شاهان اورارتویی در کتیبه‌های رازلیق (Benedict, 1965: 37)، نشتبان (Kleiss, 1972: 144)، شیشه (Bashash et al. 2001: 25) متعلق به آرگیشتی دوم (۷۱۳ ق.م) پسر روسا و سغندل متعلق به ساردوری دوم (۷۳۳-۷۵۰ ق.م) پسر آرگیشتی اول، تمامی این مناطق تحت سیطره اورارتوها قرار می‌گیرد. با توجه به مکان‌گزینی حک کتیبه‌های اورارتویی می‌توان مسیر حرکت و لشکرکشی شاهان اورارتو را از دره‌های میانکوهی منطقه قره‌داغ و در مسیر حرکت رود اهرچای که گذرگاه طبیعی شرق به غرب در کوهستان‌های قره‌داغ داخلی است، متصور شد. در کتیبه سغندل که بر روی صخره‌های مجاور قلعه عصر آهنی موسوم به زاغی داغی (در زبان محلی) حک شده است، شاه اورارتو از حمله به ناحیه کوهستانی پولوآدی (م احتمالاً ورزقان امروزی) و گشودن ۲۱ دژ و تصرف و نابودی ۵۵ شهر در یک روز سخن می‌راند (Salvini, 1982: 36). لذا کاهش شدید محوطه‌های آهن III را می‌توان در ارتباط با لشکرکشی اورارتو به این منطقه دانست و به دو صورت تعبیر نمود. نخست اینکه این هجوم طبق آنچه در کتیبه سغندل ذکر شده موجب ویرانی قلاع و ترک کامل محوطه‌های استقرار یافته که امری بعید به نظر می‌رسد؛ و دوم اینکه پس از تغییرات حاکمیتی و جایگزین شدن اورارتوها در منطقه، مردم بومی کماکان با فرهنگ و تولیدات سفالی پیشین (سفال سیاه/خاکستری و نخودی دوره آهن II) ادامه حیات داده‌اند. فرض دوم در حفاری‌های منطقه قفقاز اثبات شده است (Smith et al. 2009: 31). بدین شکل که اسمیت و همکارانش با کاوش در محوطه‌های ارمنستان با هدف مطالعه انتقال قدرت از جوامع عصر آهن به اورارتو، تأکید دارند که تسلط اورارتوها بر این جوامع تغییر اجتماعی-سیاسی معنی‌داری نداشته و محوطه‌ها به میزان زیادی نشان‌دهنده ادامه لایه‌های فرهنگی و سبک-های سفالی پیشین در دوره اورارتو است. به طوری که تنها ۱٪ سفال اورارتویی از این لایه‌ها به دست آمده و مابقی سفال‌ها ادامه سبک‌های پیشین است (Ibid: 32). لذا مبنی قرار دادن سفال قرمز اورارتویی بر تغییرات جمعیتی یا کاهش استقرارها در منطقه قره‌داغ به صورت عام و ورزقان به صورت خاص، بدون انجام کاوش‌های سامانمند، استنتاج‌های غلط را در پی خواهد داشت؛ بنابراین این مسئله در منطقه قره‌داغ نیازمند آزمون و خطاست و در شرایط فعلی، تنها برچیده شدن نظام‌های حکومتی کوچک محلی را می‌توان نتیجه حضور اورارتوها در منطقه دانست و نه کاهش شدید جمعیتی و شاخصه‌های فرهنگی.

در انتها بایستی گفت که بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در منطقه، تراکم محوطه‌ها بیشتر در ارتفاعات و کمتر در دشت‌ها به چشم می‌خورد. در حقیقت از سویی توپوگرافی و شرایط زیست‌محیطی منطقه که کوهستانی با دشت‌های میان‌کوهی کوچک است، چنین وضعیتی را ایجاب می‌کند، و از سویی دیگر شرایط

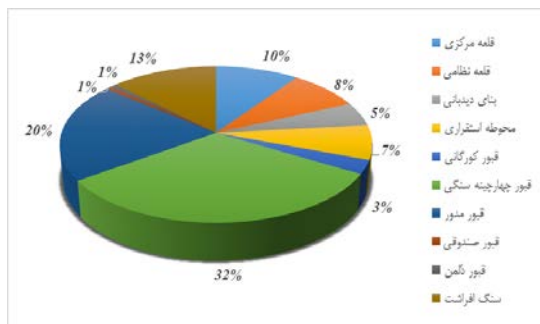
سیاسی-اجتماعی منطقه قره‌داغ و مناطق همجوار در دوره مفرغ و آهن، جوامع این دوره را به این مناطق سوق داده است. ویژگی‌های جغرافیایی منطقه و الگوهای استقرار محوطه‌های بررسی شده، بیش از هر چیزی بیانگر تمایل این جوامع به دامداری در درجه اول و کشاورزی در درجه دوم است به‌گونه‌ای که در دوران معاصر نیز، اغلب ساکنان منطقه را عشایر دامدار در ارتفاعات یا زندگی کشاورزی مبتنی بر کشاورزی دیم و گله‌داری تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد که بین اندازه مکان‌های باستانی، موقعیت مکانی آنها، هزینه ساخت و نگهداری و درجه پیچیدگی و اقتصادی آنها ارتباط نزدیکی وجود داشته باشد و در این رابطه، گمان بر این است که هر چه مکان بزرگ‌تر (علیزاده ۱۳۸۳: ۱۹۷)، ساخت و نگهداری آن پرهزینه و موقعیت ویژه‌ای داشته باشد، خدمات اداری و اجتماعی بیشتری ارائه می‌دهد و از این رو نسبت به مکان‌های کوچک‌تر، نظام اداری و اقتصادی پیچیده‌تری دارد. در این بین در هر یک از دوره‌های مفرغ جدید تا آهن III محوطه‌های بزرگ و استحکام‌بندی شده‌ای وجود دارد که نشانگر وجود قدرت یا قدرت‌های سیاسی و مدیریتی محلی در منطقه است. سیمای محوطه‌های شناسایی شده به نحوی نشانگر این موضوع است که استقرارهای واقع در دشت منطقه به شکل واحدهای روستایی بوده و استقرارهای واقع در ارتفاعات با توجه به دارا بودن دیوارهای دفاعی سنگی بزرگ، واحدهای سیاسی- نظامی بوده است.



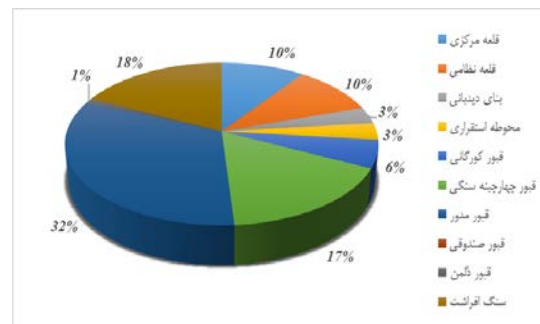
نمودار ۲) فراوانی انواع محوطه‌ها و گورستان‌های دوره مفرغ میانی.
Graph 2. Frequency of various Middle Bronze Age sites and cemeteries.



نمودار ۱) پراکندگی محوطه‌ها به تفکیک دوره و نوع محوطه.
Graph 1. Distribution of sites by period and type.



نمودار ۴) فراوانی انواع محوطه‌ها و گورستان‌های دوره آهن I.
Graph 4. Frequency of various Iron age I sites and cemeteries.



نمودار ۳) فراوانی انواع محوطه‌ها و گورستان‌های دوره مفرغ جدید.
Graph 3. Frequency of various Late Bronze age sites and cemeteries.

منابع

- ایروانی قدیم، فرشید، (۱۳۸۹)، گزارش حفاری فصل اول کاوش باستان‌شناسی کورگان‌های جعفرآباد، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- پورفرج، اکبر، (۱۳۸۶)، بازنگری عصر آهن شمال غرب ایران: مطالعه موردی شهرئیری اردبیل و قلاع اقماری، رساله دکتری باستان‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- پورفرج، اکبر، (۱۳۹۱)، تبیین و گاهنگاری فرهنگ کورگان‌های شرق شمال غرب ایران؛ براساس بررسی و کاوش در قلعه بوبنی یوغون نیر، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۵، صص ۸۱-۵۹.
- حاجی‌زاده، کریم، (۱۳۹۳)، گزارش نهایی اولین فصل کاوش در گورستان قیزیل قیه مشگین‌شهر، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رضالو، رضا، (۱۳۸۶ الف)، ظهور جوامع با ساختار پیچیده سیاسی و اجتماعی در دوران مفرغ جدید در حوزه جنوبی رود ارس با بررسی موردی داده‌های باستان‌شناسی قلعه خسرو، رساله دکتری باستان‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- رضالو، رضا، (۱۳۸۶ ب)، گزارش نهایی اولین فصل کاوش گورستان خانقاه گیلوان پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رضالو، رضا، (۱۳۹۱)، گزارش نهایی اولین فصل کاوش گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رضالو، رضا و یحیی آیرملو، (۱۳۹۳)، فرهنگ دوران مفرغ جدید و آهن I دشت اردبیل مطالعه موردی قلعه خسرو و قلعه‌های اقماری، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۶، صص ۶۵-۸۴.
- سبزی‌دوآبی، موسی؛ هژبری‌نوبری، علیرضا؛ خادمی‌ندوشن، فرهنگ؛ موسوی‌کوهپیر، سیدمهدی، (۱۳۹۷)، محوطه‌ها و استقرارهای پارتی شمال و شمال غربی استان لرستان، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۸، دوره ۸، صص ۸۴-۱۰۲.
- صدقی، ناصر، (۱۳۸۸)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ارسباران (قره‌داغ) در دوره‌ی معاصر، تبریز، انتشارات اختر.
- عبدالهی، حسن، (۱۳۸۵)، مطالعه جغرافیایی دشت ورزقان: از خروانتق تا دوپیق، تبریز، انتشارات پژوهش‌های دانشگاه.
- علیزاده، عباس، (۱۳۸۳)، تئوری و عمل در باستان‌شناسی. تهران، انتشارات میراث فرهنگی کشور.
- ناصری‌صومعه، حسین، فیروزمندی، بهمن و محسن سعادت، (۱۳۹۴)، مطالعه و بررسی باستان‌شناختی گویچه قلعه مراغه، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۶۵.
- ناصری‌صومعه، حسین، (۱۳۹۸)، تحلیل اوضاع سیاسی-اجتماعی و جریان‌های فرهنگی منطقه قره‌داغ (ارسباران) در دوران مفرغ جدید و آهن بر اساس مطالعات باستان‌شناختی استحکامات کوهستانی شهرستان ورزقان، رساله دکتری باستان‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ناصری‌صومعه، حسین؛ هژبری‌نوبری، علیرضا؛ بختیاری، سحر، (۱۳۹۹)، مطالعه و تخمین نوسان‌های جمعیتی استقرارهای عصر مفرغ شهرستان ورزقان مبتنی بر مطالعات قوم باستان‌شناسی، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال ۱۵، شماره ۹۹، صص ۳۳۱-۳۶۰.
- نیکنامی، کمال‌الدین و کاظم پور، مهدی، (۱۳۹۰)، گزارش حفاری فصل اول کاوش باستان‌شناسی محوطه زردخانه، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، (۱۳۷۹)، گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش در محوطه باستانی مسجد کبود تبریز، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

- هژبری‌نوبری، علیرضا، (۱۳۸۰)، گزارش سومین فصل کاوش باستان‌شناختی محوطه باستانی مسجد کبود تبریز، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، (۱۳۸۱)، گزارش چهارمین فصل کاوش باستان‌شناختی محوطه باستانی مسجد کبود تبریز، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، (الف، ۱۳۸۲)، گزارش پنجمین فصل کاوش باستان‌شناختی محوطه باستانی مسجد کبود تبریز، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، (ب، ۱۳۸۲)، گزارش دومین فصل کاوش باستان‌شناختی محوطه شهریری، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، (۱۳۸۶)، گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش باستان‌شناختی گورستان لاریجان، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، (۱۳۸۷)، گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش باستان‌شناختی گورستان لاریجان، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، (۱۳۸۹)، گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش باستان‌شناختی گورستان لاریجان، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، (الف، ۱۳۹۶)، گزارش بررسی محوطه‌های عصر مفرغ جدید و آهن شهرستان ورزقان، پژوهشکده باستان‌شناسی: سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- هژبری‌نوبری، علیرضا، (ب، ۱۳۹۶)، گزارش کاوش گورستان قلعه بوینو روستای روادانق شهرستان ورزقان، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری، علیرضا؛ ناصری‌صومعه، حسین؛ مختاری‌پور، فاطمه؛ مهدی‌زاده، بهزاد، (۱۴۰۰)، تبیین ساختارهای اجتماعی جامعه عصر آهن گورستان مسجد کبود تبریز، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲۹، صص ۹۷-۱۱۸.

- Abdullahi, H. 2006. Geographical study of Varzeqan plain: from Khoranagh to Dopiq. Tabriz: University Research Publications. [In Persian].
- Abedi, A., Shahidi, H.K., Chataigner, C., Niknami, K., Eskandari, N., Kazempour, M., Pirmohammadi, A., Hosseinzadeh, J. and Ebrahimi, G. 2014. Excavation at Kul Tepe (Hadishahr), North-Western Iran, 2010: First Preliminary Report. *Ancient Near Eastern Studies*, 51, pp. 33-165.
- Alizadeh, A. 2004. Theory and practice in archeology. Second Edition, Tehran: Research Institute of Cultural Heritage, Handicrafts & Tourism Publication. [In Persian].
- Bashash, K. R., Biscione, R., Nobari, H., A and Salvini, M. 2001. Haldlis Garrison – Haldis Protection. The Newly Found Rock Inscription of Argishti II in Shisheh, Near Ahar (East Azerbaijan, Iran), *Studi Micenei ed Egeo-Anatolici* 43/1: 25-37.
- Batiuk, S.D. 2013. The fruits of migration: Understanding the 'longue duree' and the socio-economic relations of the Early Transcaucasian Culture. *Journal of Anthropological Archaeology*, 32 (4), pp. 449-477.
- Belli, O., and Bahşaliyev, V. 2001. *Nahçıvan Bölgesi'nde orta ve son tunç çağı boya bezemeli çanak çömlek kültürü: Middle and late Bronze Age painted pottery culture in the Nakhichevan Region*. Arkeoloji ve Sanat Yayınları.
- Benedict, W.C. 1965. Two Urartian Inscriptions from Azerbaijan. *Journal of Cuneiform Studies*, 19 (2), pp. 35-40.

- Brown, T.B. 1951. *Excavations in Azarbaijan: 1948*. London: John Murray.
- Burney, C.A. 1962. The excavations at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1961 second preliminary report. *Iraq*, 24 (2), pp. 134-152.
- Burney, C.A. 1964. The excavations at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1962: third preliminary report. *Iraq*, 26(1), pp. 54-61.
- Burney, C. 1970. Excavations at Haftavān Tepe 1968: First Preliminary Report. *Iran*, 8 (1), pp. 157-171.
- Burney, C. 1972. Excavations at Haftavān Tepe 1969: Second Preliminary Report. *Iran*, 10 (1), pp. 127-142.
- Burney, C. 1973. Excavations at Haftavān Tepe 1971: Third Preliminary Report. *Iran*, 11(1), pp. 153-172.
- Burney, C. 1975. Excavations at Haftavan Tepe 1973: fourth preliminary report. *Iran*, 13(1), pp. 149-164.
- Danti, M.D. 2013a. *Hasanlu V: The Late Bronze and Iron I Periods*. University of Pennsylvania Press.
- Danti, M.D. 2013b. The late Bronze and early Iron age in northwestern Iran. In *The Oxford Handbook of Ancient Iran*.
- De Morgan, H. 1905. *Recherches au Talyche persan en 1901, nécropoles des âges du bronze et du fer*.
- Dyson Jr, R.H. 1956. Pennsylvania survey in Iran. *Archaeology*, 9(4), pp.284-85.
- Dyson Jr, R.H. and Muscarella, O.W., 1989. Constructing the chronology and historical implications of Hasanlu IV. *Iran*, 27 (1), pp. 1-27.
- Edens, C. 1995. Transcaucasia at the end of the Early Bronze Age. *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, 299 (1), pp. 53-64.
- Erdem, A.Ü. and Konyar, E. 2011. Urartu Çanak Çömleği/Urartian Pottery. *Urartu Doğu'da Değişim/Transformation in the East, (Haz. K. Köroğlu-E. Konyar), Yapı Kredi Yayınları, İstanbul*, pp. 268-285.
- Hajizadeh, K. 2014. *Final report of first season excavation in cemetery of Ghizil Ghaya (Qızıl Qaya) Meshkinshar*. Tehran: Upublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N.A. 2000. *Excavation at Iron Age Cemetery of Masjed-e Kabud (Göy Məçid/Blue Mosque) Tabriz: Second Priliminary Report*, Report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N. A. 2001. *Excavation at Iron Age Cemetery of Masjed-e Kabud (Göy Məçid/Blue Mosque) Tabriz: Third Priliminary Report*, Report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N. A. 2002. *Excavation at Iron Age Cemetery of Masjed-e Kabud (Göy Məçid/Blue Mosque) Tabriz: Fourth Priliminary Report*, Report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N. A. 2004. *Excavation of the Shahriari Site at the Ardebil Province*. Upublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N. A. 2005. *Excavation of the Shahriari Site at the Ardebil Province*. Upublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N. A. 2007. *Priliminary Report of the First Season of Excavations at Larican Cemetery in Khodafarin*, Upublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N. A. 2008. *Priliminary Report of the Secend Season of Excavations at Larican Cemetery in Khodafarin*, Upublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N. A. 2010. *Priliminary Report of the Third Season of Excavations at Larican Cemetery in Khodafarin*, Upublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N. A. 2017a. *Excavation at Cemetry of Qalaboynu-Varzeqan*, Upublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Hejebri, N. A. 2017b. *Preliminary report on the study of the Late Bronze and Iron Age in Varzaghan (Qara Dagh)*, Upublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].

- Hejebri Nobari, A., Naseri Someeh, H., Mokhtaripour, F., mehdizadeh, B. 2021. Explaining of the Concepts and Social Symbols (Social Structure) of the Iron Age Societies; Case Study: Tabriz Blue Mosque Cemetery. *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*, 11(29), 97-118.
- Iravani G. F. 2010. *Preliminary Report of the First Season of Excavations in Jafar Abad Kurgans*, Unpublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Kleiss, W. 1969. Beridht uberzwei er Kundun gsfahrten in nordwest-Iran. *AMI*, 2, pp. 7-119.
- Kleiss, W. 1972. Bericht über Erkundungsfahrten in Iran im Jahre 1971. *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, 5, pp.132-242.
- Kleiss, W. and Kroll, S. 1979. Ravaz und Yakhvali, zwei befestigte Plätze des 3. Jahrtausends. (R. et Y., deux sites fortifiés du III millénaire). *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*, 12, pp. 27-47.
- Kohl, P.L. 2001. *Migrations and cultural diffusions in the later prehistory of the Caucasus*. Na.
- Konyar, E. 2004. Doğu Anadolu Erken Demir Çağı Kültürü: Arkeolojik Kazı ve Yüzey Araştırmaları Bulgularının Değerlendirilmesi. *İstanbul Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü (Yayımlanmamış Doktora Tezi)*, İstanbul.
- Köroğlu, K. 2011. Urartu: Krallık ve Aşiretler. *Urartu Doğu'da Değişim*, (Haz. K. Köroğlu-E. Konyar), *Yapı Kredi Yayınları*, İstanbul, pp 12-53.
- Kroll, S. 2011. İran'daki Urartu Şehirleri. *Doğu'da Değişim*, (Haz. K. Köroğlu-E. Konyar), *Yapı Kredi Yayınları*, İstanbul, pp. 150-172.
- Kushnareva, K. K. 1997. *The southern Caucasus in prehistory: stages of cultural and socioeconomic development from the eighth to the second millennium BC* (Vol. 99). UPenn Museum of Archaeology.
- Maziar, S. 2010. Excavations at Köhné Pāsgāh Tepesi, the Araxes Valley, Northwest Iran: First Preliminary Report. *Ancient Near Eastern Studies*, 47, pp. 165-193.
- Medvedskaya, I. N., 1982. *Iran: Iron Age I*. BAR International Series, Oxford.
- Muscarella, O.W. 1968. Excavations at Dinkha Tepe, 1966. *Bulletin of the Metropolitan Museum of Art*, 27 (3), pp.187-96.
- Naseri Someeh, H., Firouzmandi, B., Saadati, M. 2015, Archaeological Investigation of Göyce Qala: An Urartuian Castle in Maragheh Plain, Northwestern Iran. *Journal of Archaeological Studies*, 7(1), 147-165. [In Persian].
- Naseri Someeh, H. 2020. *Analysis of Socio-Political Situation and Cultural actions of Qara Dagh (Arasbaran) district in the Late Bronze and Iron Age According to archaeological studies in Fortifications of the Varzeqan Area*". Ph.D. thesis. Tehran: Tarbiat Modarres University. [In Persian].
- Naseri Someeh, H., Hejebri Nobari, A., Bakhtiari, S. 2020. Study and Estimation of Population Fluctuations of Bronze Age Settlements of Varzeqan Based on Ethno-archaeological Studies. *Journal of Population Association of Iran*, 15(29), pp: 331-360.
- Naseri Someeh, H., Hejebri Nobari, A. & Niknami, K. 2021. Perspectives on the Structural Typology of The Late Bronze-Iron age Graves in Iranian Azerbaijan. *TÜBA-AR Türkiye Bilimler Akademisi Arkeoloji Dergisi*, 0 (29), 95-110.
- Niknami, K. and Kazempour, M. 2011. *A Priliminary Report on the First Season of Excavations at Zardkhaneh Ahar*. Unpublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Özfirat, A., 2001. *Doğu Anadolu Yayla Kültürleri (M.Ö. II. Binyıl)*, Arkeoloji ve Sanat Yayınları, İstanbul.

- Özfirat, A. 2017. Highland Fortresses-Cemeteries and Settlement Complexes of Mt Süphan-Muş Plains in the Lake Van Basin: From the Middle Bronze to the Middle Iron Age (Urartu), *TÜBA-AR*, 20, pp. 51-78.
- Pourfaraj, A. 2007. The revision of Iron Age in Northwestern Iran with case study on Shahar yeri site in Ardabil province and it's around fortresses. *Ph.D. thesis*. Tehran: Tarbiat Modarres University. [In Persian].
- Pourfaraj, A. 2012. Explaining Iranian north-west Kurgan's culture based on Nir Boynu Yoghon Castle excavation, *Journal of Archaeological Studies*, 4 (1): 59-81. [In Persian].
- Rezaloo, R. 2007a. The Emergence of complex society during the late bronze age in Southern region of Aras River: Case study Qala Khosrow. *Ph.d thesis*. Tehran: Tarbiat Modares University [In Persian].
- Rezaloo, R. 2007b. *A Priliminary Report on the First Season of Excavation at Gilavan Cemetery in Ardabil Province*. Unpublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Rezaloo, R. 2013. *A Priliminary Report on the First Season of Excavations at Khoram Abad Cemetery in Ardabil Province*. Unpublished report prepared for ICHHTO. [In Persian].
- Rezaloo, R., Ayramloo, Y. 2014. The Late Bronze Age and Iron Age I Cultures in Ardabil Plain: Qalla Khosrow and Peripheral Castles. *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*, 4 (6), 65-84.
- Sabzi, M. Hejebri, N, A. Hemati, A, E. Bahrami, M. 2018. Parthian Sites and Settlement in North and North Western of Lorestan Province. *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*, 8 (18), 83-102. [In Persian].
- Sagona, A. 1984. *The Caucasian Region in the Early Bronze Age*. BAR International Series 214. 3 Vols. B.A.R., Oxford, England.
- Salvini, M. 1982. Die Felsinschrift Sarduris II in Seqendel (Libliuni). *Archeologische Mitteilungen aus Iran*, 15, pp. 97-100.
- Sedqi, N., 2009. Social and political history of Arasbaran (Qaradagh) in the contemporary period. Tabriz: Akhtar Publications.
- Smith A.T., R. Badalyan, and P. Avetisyan. 2009. *The foundations of Research and Regional Survey in the Tsaghkahovit plain, Armenia, Archaeology and Geography of Ancient Transcaucasian Societies 1*. Chicago: Oriental Institute of the University of Chicago.
- Smith, A.T. 1999. Late Bronze/Early Iron Age Fortresses of the Ararat and Shirak Plains, Armenia: Typological Considerations. *Ancient Civilizations from Scythia to Siberia*, 5 (3), pp. 73-97.
- Young Jr, T.C. 1965. A comparative ceramic chronology for western Iran, 1500–500 BC. *Iran*, 3 (1), pp. 53-85.